

## باسمه تعالی

موضوع: نواقض تیمم / احکام تیمم / تیمم

## خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مسئله ی ۱۱ بود که بیانگر مغنی بودن تیمم بدل از غسل، نسبت به وضو بود. آن مسئله به اتمام رسید. در این جلسه به بیان مسئله ی ۱۲ از احکام تیمم پرداخته خواهد شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

## نواقض تیمم

بحث در مسئله ی ۱۲ است که سید فرموده است :

«يَتَّقِضُ التَّيْمُمُ بِمَا يَتَّقِضُ بِهِ الْوُضُوءُ وَالْغَسْلُ مِنَ الْأَحْدَاثِ كَمَا أَنَّهُ يَتَّقِضُ بَوُجْدَانِ الْمَاءِ»<sup>۱</sup>

بحث نواقض در طهارات ثلاث همیشه مطرح می شود. بحث اینجا نیز بر سر نواقض تیمم است که فرموده است: همان نواقض وضو و غسل است علاوه بر وجدان ماء یا زوال عذر.

نسبت به بخش اول کلام ایشان بحثی نیست «يَتَّقِضُ التَّيْمُمُ بِمَا يَتَّقِضُ بِهِ الْوُضُوءُ وَالْغَسْلُ»؛ دلیل این کلام یا اطلاق ادله- ی نواقض است «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی این آیه می فرماید: اکنون که آب دارید، می توانید وضو بگیرید ولو اینکه قبلا تیمم کرده باشید؛ یا روایات نواقض است که می فرمایند: «لَا يَتَّقِضُ الْوُضُوءُ إِلَّا مِمَّا يَخْرُجُ مِنَ الطَّرَفَيْنِ مَنْ بَوْلٍ أَوْ غَائِطٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ مَنِيٍّ...»<sup>۲</sup>. این روایات همان طور که محقق خویی فرموده است اطلاق دارد. ادله ی نواقض همانطور که در باب وضو و غسل وجود دارد، همان ادله در باب تیمم نیز وجود دارد.

ادله ی خاصه نیز به صورت تضافر در باب تیمم وجود دارد که بیانگر این بودند که مکلف می تواند با این تیمم نماز بخواند «مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يَجِدِ الْمَاءَ». هم اصابت مطرح شده است و هم وجدان که بحث بعدی است. روایات متضافره داریم که غایت تیمم ما لم يحدث است. روایت اینچنین است:

- صحیحی ز راره:

<sup>۱</sup> العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۴.<sup>۲</sup> بحار الانوار، محمد باقر المجلسي (العلامة المجلسي)، ج ۷۷، ص ۲۲۸.

«مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ يُصَلِّي الرَّجُلُ بَوْضُوءٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ قُلْتُ فَيُصَلِّي بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ...»<sup>۱</sup>

در سند این روایت مشکلی وجود ندارد. در محمد بن اسماعیل نیز بنابر نظر مختار اشکالی نیست. این روایت دو سند دارد و از لحاظ سندی هیچ مشکلی ندارد.

شاید آن روایات تنزیل را نیز بتوانیم مطرح کنیم، البته ندیدیم کسی روایات تنزیل را مطرح کند؛ ولی می توان آن را نیز مطرح کرد؛ وقتی می گوید «التراب احد الطهورین» یا می گوید: «التراب بدل عن الماء» زمانی که وضو باطل نشده است، تیمم نیز منتقض نخواهد بود. بعید نیست ادله ی تنزیل و بدلیت اطلاق داشته باشد و ظاهر این است که بدل از مبدل جلوتر نمی رود.

بنابراین به سه دلیل کلام سید در بخش اول درست است: ادله ی عامه نواقض، ادله ی خاصه تیمم و اطلاق ادله ی تنزیل؛

البته محقق خویی اطلاق ادله را قبول ندارد ولی ما قبول داریم.

## نقض تیمم با وجدان آب و زوال عذر

اما بخش دوم این که :

«كما أنه ينتقض بوجدان الماء أو زوال العذر و لا يجب عليه إعادة ما صلاة كما مر و إن زال العذر في الوقت و الأحوط الإعادة حينئذ بل و القضاء أيضا في الصور الخمسة المتقدمة»<sup>۲</sup>.

این حکم از خصائص تیمم است. به محض اینکه مکلف آب پیدا کند، تیمم باطل خواهد شد؛ همچنین به محض اینکه مکلف بیماری اش مرتفع شود، تیمم باطل خواهد شد. این هم واضح است.

## کلام محقق حکیم: اقتضای اطلاقات طهارت مائیه

یک بحث طلبگی آقای حکیم کرده است که مقتضای ادله ی طهارت مائیه همین است. اطلاق ادله ی تحصیل طهارت مائیه که «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ»<sup>۱</sup> است؛ امر می کند به اینکه باید طهارت مائیه را حاصل کنید. امر به طهارت مائیه کاشف از بطلان آن تیمم است؛ زیرا اگر باطل نشده بود وجهی برای امر به وضو نبود.

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۳.

۲ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۴.

بعد فرموده است که مجالی نیست بر اینکه کسی تمسک به استصحاب کند و بگوید آب پیدا کرده ام و شک دارم که طهارتم هنوز هست یا خیر؟! در نظر ایشان با وجود دلیل اجتهادی نوبت به استصحاب نمی رسد. ایشان فرموده است اینجا مانند وضوی جبیره ای نیست که وضو گرفته است و نماز را خوانده است و بعدا جبیره مرتفع شد، آن جا بحث کرده اند که وضویش طبق استصحاب باقی است و دلیل بر خلافتش نداریم. شاید بتوان در آن بحث حتی به برخی از ادله ی لفظیه نیز تمسک کرد. اما در اینجا ما دلیل بر خلاف داریم که آن اطلاق ادله ی لزوم تحصیل طهارت مایئه است. «اذا قمتم الی الصلاه» به جنب می گوید اگر جنب هستی و می توانی غسل کنی غسل کن، پس معلوم می شود تیمم باطل شده است که امر به غسل کرده است.<sup>۲</sup>

### مناقشه ی محقق خویی بر کلام مرحوم حکیم

محقق خویی مناقشه در تمسک به ادله ی طهارت مایئه کرده است؛ بدین بیان که تمسک به ادله ی طهارت مایئه، تمسک به عام در شبهات مصداقیه است. «اذا قمتم الی الصلاه» خطاب به محدثین است؛ همان طور که در روایت ابن بکیر است که «اذا قمتم الی الصلاه ای اذا قمتم من النوم»<sup>۳</sup>. ما اکنون شک داریم که این شخص محدث است یا خیر، لذا ایشان می - گوید استصحاب ارکانش تمام است ولی محکوم ادله ی لفظیه است. خود آقای حکیم قبول کرده است که ما الان شک داریم که طهارتش باقی است یا خیر! این را قبول کرده است که شک وجود دارد. اگر شک داریم، پس نمی توانیم به «اذا قمتم» تمسک کنیم؛ چرا که اذا قمتم مختص به محدثین است. و ما شک داریم که او محدث است یا متطهر، تمسک به عام در شبهه ی مصداقیه می شود.<sup>۴</sup>

### مختار استاد: جواز تمسک به اطلاق ادله ی طهارت مایئه

محقق خویی فرموده است اطلاق ادله ی تحصیل طهارت مایئه نادرست است. لکن در سابق هم گفته ایم که اذا قمتم وضوی تجدیدی را نیز می گیرد. گرچه در روایت ابن بکیر بر قمتم من النوم تطبیق شده است. ولی آن فقط یک تطبیق است و دلالتی بر انحصار به محدثین ندارد. «اذا قمتم» اطلاق دارد و لو اینکه قبلا تیمم کرده و طهارت داشته اید. بنابراین این که خطاب مختص به محدثین باشد درست نیست.

۱ سوره مائده، آیه ۶.

۲ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۶۲.

۳ استبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۸۰.

۴ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

لکن اگر متطهر باشد امر «فاغسلوا» حمل بر استحباب می شود به قرینه ی اینکه سایر روایات می گوید تجدید وضو برای کسی که متطهر است، مستحب است. نتیجه اینکه نسبت به متطهر ها که دلیل بر خلاف داریم رفع ید می کنیم، ولی اگر دلیل بر خلاف نداشتیم تسمک به اطلاق می کنیم و می گوییم این شخص را نیز شامل می شود. لذا تمامیت یا عدم تمامیت فرمایش محقق حکیم مبتنی بر این اسظهار است که آیا ادله ی طهارت مایه اطلاق دارد یا ندارد. محقق حکیم می گوید اطلاق دارد و محقق خویی گوید اطلاق ندارد. والامر لیس بمهم چرا که دلیل منحصر نیست.

### نکته: عدم مخصصیت ادله ی تیمم نسبت به ادله ی وضو

سوال: آیا نمی شود گفت ادله ی تیمم وارد است؟

جواب: حال که این نکته را مطرح کردید یک نکته ی دیگر هم اضافه کنیم که خالی از لطف نیست:

کسی نگوید که «اذا قمت الی الصلاه» تخصیص خورده است به ادله ی تیمم؛ زیرا گفته می شود که تخصیص در فرضی است که تمکن از آب نداشته باشد؛ و حال آنکه فرض این است که اینجا تمکن از آب دارد؛ لذا اینجا مخصص جاری نیست. و «اذا قمت» شامل این شخص می شود و از شمولش بطلان تیمم را کشف می کنیم.

البته فراموش نشود که این مباحث مهم نیست و ثمره ی عملی ندارد؛ زیرا اینکه وجدان آب ناقض تیمم است منصوص است. همانطور که محقق خویی فرمودند چند دسته از روایات در مسئله موجود است: ۱. روایاتی که می گوید آب پیدا کردی تیمم بدل از وضو از بین می رود. ۲. روایاتی که می گوید آب اگر پیدا کردید تیمم بدل از غسل از بین می رود. ۳. روایاتی که می گویند اگر آب پیدا کردید تیمم بدل از هر دو را یا به صراحت یا اطلاق مطرح کرده است که از بین می رود. لذا چهار دسته از روایات می شود استفاده کرد.

مشابه این قضیه جایی است که کسی طهارتی را که به وسیله ی تیمم قبلی به دست آورده است، نمی داند الان زائل شده است یا خیر؟ همین بحث آنجا نیز مطرح می شود. گفته اند اگر تمکن نداری، تیمم شرط نماز است، همانطور که حدوثا عدم تمکن شرط است، بعید نیست در بقا نیز این را بگویند.

### بررسی روایات مسئله

اما روایات را هم ملاحظه کنید که یکی از آن ها را می خوانیم:

« قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءَ وَ رَجَا أَنْ يَقْدِرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ وَ ظَنَّ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّمَا أَرَادَ فَعَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ - قَالَ يَنْقُضُ ذَلِكَ تَيَمُّمَهُ<sup>۱</sup> »

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۴.

این روایات را محقق خویی نیز مطرح کرده است.<sup>۱</sup>

حدیث بعدی که می توان مطرح کرد صحیح زاره است البته چند صحیح زاره در همین رابطه وارد شده است.

«مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ يُصَلِّي الرَّجُلُ بَوْضُوءٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ قُلْتُ فَيُصَلِّي بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحْدِثْ أَوْ يُصِيبَ مَاءً»<sup>۲</sup>

یا روایت دیگر در باب ۱۲ که صحیح زاره است؛ به ذهن می زند که جلسه ی واحدی بوده است و تقطیع کرده اند؛ زیرا سند ها یکی هستند.

« مَا رَوَاهُ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ التَّيْمُمُ قَالَ هُوَ ضَرْبٌ وَاحِدٌ لِلْبَوْضُوءِ وَ لِلْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ تَضْرِبُ بِيَدَيْكَ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ تَنْفُضُهُمَا نَفْضَةً لِلْوَجْهِ وَ مَرَّةً لِلْيَدَيْنِ وَ مَتَى أَصَبْتَ الْمَاءَ فَعَلَيْكَ الْغُسْلُ إِنْ كُنْتَ جُنْبًا وَ الْبَوْضُوءُ إِنْ لَمْ تَكُنْ جُنْبًا»<sup>۳</sup>

جای بحث ندارد که وجدان آب سبب می شود که تیمم منتقض شود.

## زوال عذر قبل از حدوث نواقض

مرحوم سید در ادامه فرموده است : «او زوال العذر». هنوز نواقض محقق نشده است عذرش بر طرف شد، بیماری اش زوال یافت، آیا همان تیمم سابق کافی است؟ یا اینکه باطل شده است و باید وضو بگیرد؟ روایاتی که ما خواندیم در فرض این بود که آب نداشته باشد. اکنون بحث ما این است که آب داشته است. جمود بر لفظ آن روایات این است که شامل زوال عذر نمی شود. آن دلیل محقق حکیم این حا مفید است که در جایی که مرضش مرتفع شده است، آن روایات اینجا را نمی گیرد. با این حال چه باید کرد؟ بیاناتی در این باره مطرح شده است:

## بیاناتی در الحاق عذر به زوال ماء

برای الحاق زوال عذر به وجدان ماء چند بیان مطرح شده است:

۱ موسوعة الامام الخوئي، السيد أبو القاسم الخوئي، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

۲ الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، ج ۳، ص ۶۴.

۳ الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، ج ۳، ص ۶۴.

## بیان اول: بیان مرحوم حکیم

یک بیان همان بیان محقق حکیم است که گفتیم «اذا قمتم الى الصلاة» مریضی را که قبلاً مریض بوده است و الان خوب شده، می گیرد و در نتیجه تیممش باطل است. شاید مثل محقق خویی این دلیل را بتوان انکار کرد لذا باید دلیل دیگری آورد.

## بیان دوم: تمسک به روایات

در برخی از روایات خواندیم که در روایت غسل در ليله ی بارده در باب ۱۶ حدیث ۱ حضرت فرمودند:

«سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانٍ - أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنِ الرَّجُلِ تُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ فِي اللَّيْلَةِ الْبَارِدَةِ وَ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ التَّلَفَ إِنْ اغْتَسَلَ فَقَالَ يَتَيَمَّمُ وَ يُصَلِّي فَإِذَا أَمِنَ مِنَ الْبَرْدِ اغْتَسَلَ وَ أَعَادَ الصَّلَاةَ»<sup>۱</sup>

در این روایت فرض عدم تمکن از آب نیست، بلکه خوف از تلف است. همینکه امن از آب پیدا کرد «اغتسل» یعنی «انتقض تیممه».

این روایت یک اشکالاتی داشت که به زعم خودمان حلش کردیم. اگر کسی توانست این روایات را حل کند، می گوئیم که «اغتسل» ظاهرش انتقاض است و اعاد الصلاة هم مضر به حال ما نیست بلکه جمله ی دیگری است. انتقض از اغتسل استفاده می شود. گفته نشود امر به اغتسال استحبابی است؛ زیرا ظاهر امر وجوبی است.

## بیان سوم: الغاء خصوصیت از روایات اصاب الماء

بیان سوم این است که از همین روایات «اصاب الماء» بتوانیم زوال عذر را نیز استفاده کنیم. از همین روایات «وجد الماء» به این بیان که «اصاب الماء» خصوصیت ندارد، بتوانیم حکم را استفاده کنیم. مراد از «اصاب الماء» یعنی عذرش مرتفع شود؛ لذا ممکن است اصاب الماء شود، ولی وقت خیلی کم باشد و تیممش نقض نشود، به دلیل اینکه امکان تیمم ندارد، یا به عنوان مثال مال برای کسی دیگر است و اجازه نمی دهد. لذا مراد از اصاب الماء، معنای تحت اللفظی نیست، بلکه همان آیه ی قران را بیان می کند که ﴿إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ - أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾<sup>۲</sup>

همانطور که لم تجدوا را کنایه از عدم قدرت می دانستید، اینجا هم که می گوید اصاب الماء یعنی قدرت بر استفاده ی از آب؛ پیدا کنید؛ روایات همان آیه را باز می کنند و تعبد جدایی نیستند. خصوصیتی در اصاب الماء نیست. می خواهد بگوید

۱ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲ سوره مائده، آیه ۶.

تا موضوعش موجود است تیمم هم هست. موضوع عدم تمکن از استعمال آب بود. این تعبیرات «وجد» و «اصاب» یعنی تا وقتی که موضوعش موجود است تیمم کنید.

یک مویدی هم شاید بتوان از باب ۱۹ مطرح کرد:

«قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءَ وَ رَجَا أَنْ يَقْدَرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ وَ ظَنَّ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّمَا أَرَادَ فَعَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>

همین رَجَا أَنْ يَقْدَرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ قرینه ای است برای آن اصاب الماء. «ان یقدر» یعنی امید دارد که تمکن پیدا کند. «وظنّ أنه» عقیده هم داشت که «یقدر علی کما أراد» ولی اتفاقاً قادر نشد باید چه کند؟ به ذهن می رسد که معنای تحت اللفظی اش مراد نیست. به آب رسید، یعنی قدرت بر استعمال آب پیدا کرد. با این ضمائی که در بین می باشد شاید بتوانیم فرض زوال عذر را به وجدان الماء ملحق کنیم، مضافاً بر اینکه اجماع هم هست و کسی تفصیل نداده است. لم یختلف فیه اثنان؛ همه گفته اند که همانطور که وجدان ماء ناقض است، زوال عذر هم ناقض است. از این مجموعه تقریبات ادله، حتی اگر کسی در همه ی آن ها مناقشه داشته باشد، می توان به اطمینان رسید که همانطور که وجدان ماء بلاشکال ناقض است، زوال عذر نیز ناقض تیمم است. بنابراین کلام سید که فرموده است «او زوال العذر» کلامی متین و صحیح است.

سوال: این دو مقام باهم خیلی تفاوت دارد. روایات متضافره داشتیم که کسی به تیمم صحیح نماز بخواند نماز به طهارت خوانده است و اعاده ندارد.

جواب: احدی فرق نگذاشته است.

ادامه ی مسئله را بیان می کنیم:

## اعاده ی نماز خوانده شده

« لا یجب علیه إعادة ما صلاهُ كما مر و إن زال العذر فی الوقت و الأحوط الإعادة حیثنذ»<sup>۲</sup>.

اعاده ی نماز هایی که خوانده است نیز واجب نیست؛ زیرا آن ها را با طهارت معتبر به جا آورده است. اگر هم عذر در وقت مرتفع شود عرض شد که اعاده واجب نیست، ولی ایشان احتیاط مستحب کرده است. فرموده است: «و الأحوط الإعادة حیثنذ بل و القضاء ایضاً فی الصور الخمسة المتقدمة».

ایشان در مسئله ی هشت پنج صورت را ذکر کرده بود. شاید برخی در مورد این حکم گفته باشند که بتوان از اطلاق «فَإِذَا أَمِنَ مِنَ الْبَرْدِ اغْتَسَلَ» برای وجوب اعاده استفاد کرد.

۱ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۴.

۲ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۴.

به ذهن می رسد این استفاده، شبهه دارد و احتمالش هست که نماز خوانده شده در داخل وقت مجزی نباشد، در خارج وقت نیز برخی از این اطلاق استفاده کرده بودند و این نماز با تیمم را نماز ناقصی دانسته بودند.

## زوال عذر قبل از خواندن نماز

مسئله ی ۱۳:

«إذا وجد الماء أو زال عذره قبل الصلاة لا يصح أن يصلي به وإن فقد الماء أو تجدد العذر فيجب أن يتيمم ثانياً»<sup>۱</sup>.

اگر برای مکلف آب پیدا شد، ولی آن را از دست داد، آیا می تواند با تیمم سابق نماز را بخواند؟ این فرع تکمیل فرع قبل است. آقای خویی همه مطالب مربوط را همین جا بحث کرده است. سید فرموده است که باید دوباره تیمم کند؛ به دلیل اینکه وقتی وجدان آب شد «انتقض تیمّم» بر آن صدق می کند. وقتی آب دوباره از بین رفت خطاب جدیدی پیدا می شود که باید تیمم کند. این مطلب علی القاعده است. ما نیاز به روایت نداریم. الان موضوع واجد الماء پیدا شده است و تیمم نیز نقض شده است، اگر دوباره آب از دست برود موضوع برگشته است و خطاب جدید وجوب تیمم می آید. علاوه بر علی القاعده بودن، روایت نیز در موردش وارد شده است.

در همان باب ۱۹ اینچنین آمده بود در صحیحی زراره:

«قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءَ وَ رَجَا أَنْ يَقْدَرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ وَ ظَنَّ أَنَّهُ يَقْدَرُ عَلَيْهِ كُلَّمَا أَرَادَ فَعَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ - قَالَ يَنْقُضُ ذَلِكَ تَيْمُمَهُ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ التَّيْمُمَ»<sup>۲</sup>

مکلف امید داشت که آب باشد ولی پیش رفت و دید که آبی نیست. این روایت تصریح به اعاده ی تیمم می کند. روایاتی هم که می گفت با این تیمم می تواند تا زمانی که آب پیدا نکرده است نماز بخواند، مفهومش این است که تا آب پیدا کرد باید وضو بگیرد؛ تیمم از بین می رود.

مرحوم سید فرموده است که:

« نعم إذا لم يسع زمان الوجدان أو زوال العذر للوضوء أو الغسل بأن فقد أو زال العذر بفصل غير كاف لهما لا يبعد عدم بطلانه و وجوب تجديده»<sup>۳</sup>

ایشان یک استثناء زده است. در جایی که به آب رسیده است ولی آنقدر زمان کم است که فرصت برای وضو یا غسل نبود. وقت وسعت برای طهارت مائیه ندارد. این جا فرموده است که آن تیمم سابق باطل نشده باشد. مقتضای جمود بر

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲ الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، ج ۳، ص ۶۴.

۳ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۴.



لفظ بطلان تیمم است؛ زیرا وجدان ماء صدق می کند. جمود بر لفظ این را می گوید و لکن دقت در مطلب و فهم عرفی این است که در برداشت از ادله، «اصاب الماء» یعنی آبی که بتوانید از آن وضو بگیرید نه اینکه صرف وجدان آب کافی باشد. اصاب الماء و وجد ماء در روایات وجود دارد، ولی تمکن در لفظ حدیث نیامده بود. لذا با مناسبات حکم و موضوع و ارتکازات، اینکه لم یجد و لم یصب را می گوید، مرادش وجد الماء لغوی نیست بلکه وجد الماء به صورتی که عرفاً بگویند می توانید با این آب وضو بگیرید مراد است. این روایات اطلاق ندارد جایی را که وجدان اصابه هست ولی قدرت نیست. همین اجمالش نیز کافی است. مضاف بر اینکه اصلا ظاهرش همین است. ظاهرش این است که غایت تمکن از وضوء است نه اصل وجدان. وجدان کنایه از تمکن است. برخی از نکات دیگر دارد که می ماند برای فردا انشاءالله.